

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی – سعید افغانی»
۲۳ می ۲۰۱۵

مسخ انسانها در تاریخ بشریت

مطابق به تعریفی که در اکثریت کتب لغت از کلمه مسخ محققین به عمل آورده اند، همین است که: مسخ عبارت از: تغییر شدن شکل و صورت انسان به شکل قبیح آن می باشد. (قاموس قرآن جلد ۶ صفحه ۲۵۶). ناگفته نباید گذاشت که تعدادی از علماء بر انواع مختلفه مسخ معتقد اند و استدلال می آورند که مسخ به چند نوع می باشد، که یکی از انواع مسخ، تناسخ است که البته مورد قبول و تأیید کثیری از فلاسفه و دانشمندان بزرگ اسلامی نیز می باشد و آن عبارت از مسخ روحی و معنوی انسانها است.

مسخ در داستانهای عامه، در افسانه ها و بالاخره در اعتقادات دینی ما یعنی دین مقدس اسلام وجود داشته است. برخی از علماء در تعریف مسخ می گویند: تغییر شکل و دگر دیسی افراد و اجسام از شکل اولیه به شکلی بدتر از اولی آن، مسخ گفته می شود.

طوری که گفتیم «مسخ» در لغت به معنای تبدیل شدن از صورتی به صورتی زشت تر است و در اصطلاح قرآنی مسخ به نوعی از عذابی گفته می شود که بر اشخاص و امت های گناهکار (گناهان خاص) و نافرمان یابی و باغی نازل و مقرر می شود

قابل تأکید مجدد است که در مسخ روح از بدن جدا نمی شود یعنی تغییر ژنتیکی صورت نمی گیرد) بلکه تنها شکل ظاهری بدن انسان تغییر می کند به این معنا که مسخ با تناسخ که در آن روح از بدن جدا شده به بدن یا جنین دیگر تعلق می گیرد و در مسخ چنین نمی شود، تفاوت وجود دارد. در مسخ تنها شکل ظاهری بدن تغییر می کند و اینگونه نیست که نفس انسان به میمون و شادی تبدیل شود بلکه افراد مسخ شده با حفظ روح بشری فقط صورتاً همچون میمون و خوک می شوند تا به نوعی کیفر ببینند و به نوعی به جزای اعمال نافرمانی و بغاوت خویش از اوامر الله و رسول برسند. بخشی از علماء جزای اعمال انسانها را به روز قیامت موکول می دانند. در مثنوی معنوی آمده است:

مسخ در امت محمد نیست – بزم مقبول جای مرتد نیست.

به هر صورت آن در مورد مسخ فکری و روانی انسانها که این اشرف المخلوقات که به بالاها رسیده می تواند و گل سر سبد تمام مخلوقات شده می تواند در عمل دیدیم که به این تیر صعودی می تواند جهت و سمت نزولی داشته باشد و دارد که به اسفل السافلین می رسد و این بهترین مخلوقات روی زمین به بدترین مخلوقات روی زمین مبدل شده به کار هائی می پردازد که وحشی ترین حیوانات نیز به آن ارتکاب آن قادر نیستند.

خواننده محترم!

اگر به داستان های قرآنی در مورد مللی که قبل از اسلام مورد غضب الهی قرار گرفته اند و مسخ گردیده اند مراجعه نمائیم، به وضاحت تام در خواهیم یافت که قرآن عظیم الشان موضوع مسخ شدن انسان ها را نسبت نافرمانی از فرمان الهی به شکل (خوک و شادی) در آیات متعددی از قرآن عظیم الشان برای پند و عبرت نسل آینده بشری ذکر نموده اند که از آنجمله در سه آیت متبرکه (سوره مائده آیت ۶۰ و سوره بقره آیت ۶۵ و سوره اعراف آیت ۱۶۶) این حوادث به تفصیل و مثال های عبرت دهنده بیان گردیده است.

قرآن عظیم الشان در (سوره المائده آیت ۶۰) می فرماید: « قُلْ هَلْ أَنْبَأُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ وَ جَعَلَ مِنْهُمْ الْفِرْدَةَ وَ الْخَنَازِيرَ وَ عَبْدَ الطَّاغُوتِ أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنِ سَوَاءِ السَّبِيلِ ».

(بگو: آیا شما را از کسانی که موقعیت و پاداش شان نزد الله برتر از این است، با خبر کنم؟ کسانی که خداوند آنها را از رحمت خود دور ساخته، و مورد خشم خویش قرار داده، (و مسخ کرده)، و از آنها، میمونها و خوکهایی قرار داده، و پرستش بت کرده اند موقعیت و محل آنها، بدتر است و از راه راست، گمراه ترند).

بناءً در آیت متذکره در می یابیم که مفهوم و حقیقت مسخ ریشه قرآنی داشته و مطابق روایات قرآنی مسخ در امت های قبلی بشری نسبت نافرمانی و بغاوت های بشری از فرمان الهی به وقوع پیوسته است.

ولی خدمت خوانندگان محترم باید به عرض برسانم:

طبق روایات اسلامی، مسخ شدگان زندگی طولانی نداشتند، و حیات شان برای چند روزی بود و بعد از مدتی از این دنیا می رفتند و نسلی هم از آنها به وجود نمی آمد و به صورت کل مسخ فقط در یک نسل خلاصه می شد.

روایت است که حضرت معاذ روزی از پیامبر صلی الله علیه و سلم درباره آیت «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ قَتَاتُونَ أَفْوَاجًا» روزی که «صور» دمیده می شود و شما فوج فوج (به محشر) می آید! (سوره نبأ آیت ۱۸) سؤالی به عمل آورد، پیامبر صلی الله علیه و سلم در جواب حضرت معاذ فرمود: شما از : مسأله بسیار بزرگ و مهمی سؤال کردید، سپس آنحضرت صلی الله علیه و سلم گریه زیادی کردند و فرمودند:

خداوند متعال ده گروه از امت مرا به صورت غیرانسانهای دیگر محسور می کند و آنها را از سائر مسلمین متمایز می سازد، بعضی را به شکل میمون یا خوک، بعضی کور یا گنگ و ... آنها که به شکل میمون هستند اشخاصی بودند که مردم را مسخره می کردند و به تمسخر مردم می پرداختند و آنها که به شکل خوک اند حرام می خوردند و ... قابل تذکر است که به برکت حضرت محمد صلی الله علیه و سلم هرگونه عذابی (که مسخ یکی از آنهاست) از امت اسلام برداشته شده است « وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَ أَنْتَ فِيهِمْ، وَ لِي (ای پیامبر!) تا تو در میان آنها هستی، خداوند آنها را مجازات نخواهد کرد. (سوره انفال آیت ۳۳)

همچنان قرآن عظیم الشان داستان عبرت دهنده ای را در مورد مسخ شدن تعدادی از قوم بنی اسرائیل که بنابر ارتکاب گناه و نافرمانی مسخ شدند، و شکل انسانی خود را از دست داده و به شکل شادی و خوک مبدل شده اند در سوره بقره، (آیات ۶۶-۶۵ و نیز آیات ۱۶۳-۱۶۶) چنین بیان می دارد.

قرآن عظیم الشان می فرماید:

پروردگار با عظمت ما برای ابتلا، امتحان و آزمایش، به قوم بنی اسرائیل فرمان داد که در روزهای شنبه به شکار ماهی (ماهگیری) نپردازند.

ولی این قوم از اطاعت فرمان الهی سر باز زدند و بر قانون شکنی حکم الهی بناء نمودند در ابتداء با حيله شرعی - به وسیله کندن حوضچه ها و کندن جوی چه ها، شکار خود را شروع کردند (ماهی ها را روزهای شنبه در حوضچه ها و یا هم جالها به دام می انداختند و روزهای بعد آنها را از آب بیرون می آوردند).

بنی اسرائیل در بدوامر این بغاوت و نافرمانی از فرمان الهی را گناه را کوچک شمردند ، و آهسته آهسته پر روئی شان در برابر فرمان الهی قوت می گرفت و در نهایت امر در شکستن فرمان الهی جسارت بیشتر از خود نشان دادند و وضع در جامعه به مرحله ای رسید که مفهوم امر بالمعروف ونهی از منکر اهمیت خویش را از دست داد.

قرآن عظیم الشان می فرماید بنی اسرائیل به این نافرمانی خویش به مرحله ای رسیدند که بالاخره به طور علنی و با بی پروائی در روز های شنبه به صید ماهی مشغول شدند و از این راه مال و ثروت فراوانی برای خود فراهم نمودند ، زیرا ماهیان (برای امتحان آن ها و به دستور پروردگار) روز شنبه در روی آب آشکار می شدند و در غیر روز شنبه کمتر به سراغ آن ها می آمدند (اعراف، ۱۶۳) این بود تا این که عذاب سخت الهی فرود آمد و گناهکاران و کسانی را که امر به معروف و نهی از منکر را فراموش کرده بودند ، به کام خود فرو برد. (از مجموع آیات قرآن استفاده می شود که هر دو گروه مجازات شدند، ولی مجازات مسخ، تنها مربوط به گناهکاران بود و مجازات دیگران احتمالاً هلاکت و نابودی بوده است، هر چند گناهکاران نیز چند روزی پس از مسخ شدن - طبق روایات اسلامی - هلاک شدند. خواننده محترم !

تعدادی از مفسران معتقدند که مسخ به معنی مسخ روحانی و دگرگونی صفات اخلاقی است، به این معنی که صفاتی همانند میمون یا خوک در انسانهای سرکش و طغیانگر پیدا شد، رو آوردن به تقلید کورکورانه و توجه شدید به شکپرستی و شهوترانی که از صفات بارز این دو حیوان بود، در آنها آشکار گشت.

ولی خدمت این تعداد از مفسران باید به عرض رسانیم ، بادر نظر داشت این که انسان اگر به فرض مثال از نظر جسمی مسخ نشود و تبدیل به يك حیوان نشود به طور یقین از نظر روحی و معنوی ممکن است مسخ شود و تبدیل به يك حیوان شود و بلکه تبدیل به نوعی از حیوان شود که در عالم ، حیوانی به آن بدی وجود نداشته باشد.

طوری که قرآن عظیم الشان می فرماید « بل هم اضل » (سوره اعراف ، آیت . ۱۷۹) سخن می گوید ، یعنی از مردمی که از چهارپا هم پست تر هستند.

زیادتر وقت سؤالی در ذهن برخی از انسانها خطور می کند که می شود انسان واقعاً از نظر روحی تبدیل به يك حیوان شود ؟ در جواب باید گفت بلی ، چون شخصیت انسان به خصائص اخلاقی و روانی اوست.

اگر خصائص اخلاقی و روانی يك انسان ، به خصائص و اخلاقی يك حیوان درنده مبدل شود ، خصائص و اخلاقی يك چهارپای را فراگیرد ، او واقعاً مسخ شده است و در مواردی بدتر از بدترین حیوانات درنده ، یعنی روحش حقیقتاً مسخ و تبدیل به يك حیوان شده است.

جسم خوک با روح آن تناسب دارد و انسان ممکن است تمام خصلتهایش خصلتهای خوک باشد . اگر انسانی اینگونه باشد، از انسانیت منسلخ شده و در معنی و باطن و نزد چشم حقیقت بین و در ملکوت ، واقعاً يك خوک است و غیر از این چیزی نیست.

تعدادی از انسانها با اعتراض به مفهوم مسخ بدین عقیده اند که مسخ خلاف قانون تکامل و موجب بازگشت و عقبگرد در خلقت است، در جواب شان باید گفت که استدلال و منطق شان در این مورد ، درست و منطقی نمی باشد ، زیرا قانون تکامل مربوط به کسانی است که در مسیر تکاملند، نه آنها که از مسیر انحراف یافته و از محیط شرائط این قانون به کنار رفته اند، فی المثل يك انسان سالم در سنین طفولیت مرتباً رشد و نمو می کند اما اگر نقائصی در وجود او پیدا شود، ممکن است نه تنها رشد و نموی متوقف گردد بلکه رو به عقب برگردد و نمو فکری و جسمانی خود را تدریجاً از دست بدهد.

ولی در هر حال باید توجه داشت که مسخ و دگرگونی جسمانی متناسب با اعمالی است که انجام داده اند، یعنی چون عده ای از جمعیت های گنهکار بر اثر انگیزه هواپرستی و شهوترانی دست به طغیان و نافرمانی خدا می زدند و جمعی با

تقلید کورکورانه کردن از آنها، آلوده به گناه شدند، لذا به هنگام مسخ، هر گروه به شکلی که متناسب با کیفیت اعمال او بوده ظاهر می‌شده است.

البته در آیات مورد بحث تنها سخن از قرده (میمونها) به میان آمده است و از خنازیر (خوکها) سخنی نیست، ولی در آیت ۶۰ سوره مائده بحث از جمعیتی به میان آمده است که به هنگام مسخ به هر دو صورت فوق (بعضی قرده و بعضی خنازیر) تغییر چهره دادند، که به گفته بعضی از مفسران، آن آیت نیز در باره همین اصحاب سبت است که شکمپرست و شهوت‌پرستان به خوک و جوانان مقلد چشم و گوش بسته که اکثریت را تشکیل می‌دادند به میمون تغییر چهره دادند.

پس انسان معیوب، گاهی به مرحله انسان مسخ شده می‌رسد. ما اینها را کمتر می‌شنویم و شاید بعضی خیال کنند اینها مجاز است و شاید بسیار دیر به این واقعیت پی ببرند، ولی نباید فراموش کنند که این یک واقعیت و حقیقتی است که نمی‌توان از آن انکار کرد.

اعمالی که موجب مسخ می‌گردد:

مطابق تعریف قرآن عظیم الشان اعمالی که موجب مسخ انسانها در امت قبلی گردیده است عبارت از: شرک به الله، زنا با محارم، و قتل عام و یا هم مساعد ساختن زمینه قتل‌های دسته جمعی.

اگر چه دیده شده است که این اشخاص در زیادتیر موارد مسخ ظاهری نشده‌اند ولی نباید فراموش کرد که روزی آمدنی است که در این دنیا و یا آنهم در روز آخرت به بدترین شکلی آن مسخ و مجازات خواهد شد.

با در نظر داشت تشریحات، تفاسیر و قصه‌هایی از عبرت و پند نسلهای گذشته و نتایج آن وحال ملت اسلام و مسلمین به صورت مشخص و واضح درسهایی از پند و عبرت برای ماست تا به مسؤولیت و وجایب خویش متوجه شده، در فکر و ذهن خویش مسخ نشده، در گذشته، حال و آینده خویش دقت نموده و با دقت نقادانه سهم خویش را در عدم دقت‌ها و اشتباهات خویش متوجه شده و مسخ روانی و فکری نشده و خود زمینه ساز مسخ فزیک و عتاب و قهر الهی نگردیده خویش را در آمان قرار دهیم.

بر ماست تا با طلب توبه و مغفرت از اشتباهات به صورت راستی و درست به آن متوجه شده و در صدد اصلاح خود و دیگران ادای رسالت نمائیم. در غیر آن ازین قصه‌های قرآنی که برای پند و عبرت برای بشریت و مسلمانان اراهه شده به صورت درست و به موقع بیاموزیم.

بیاموزیم، مطابق حق عمل کنیم و آنچه در توان داریم برای دیگران بیاموزانیم (و تواصوا بالحق) و درین دنیا کوتاه ابتلاء و امتحان چنان ادای رسالت کنیم که سبب صلاح و فلاح خود و اطرافیان در هر دو دنیا گردیم.

نباید مسخ شد و به عمق مسخ فکری و روانی خویش با عدم نقد و عدم تذکیه داخلی موجب خطاء و اشتباهات بزرگ و بزرگتر شد.

الهی ما را هدایت نیکی فرما و در ما توان درک حق و راستی را قوت بده.

آمین یا رب العالمین

تتبع و نگارش:

الحاج داکتر امین الدین «سعیدی - سعید افغانی»

مدیر مطالعات ستراتژیژیک افغان و مسوول مرکز کلتوری دحق لاره- جرمنی

